

گزارشی از یک تلاش حفظ بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول بر اساس نامه‌ای از سفیر ایران در انگلیس

حوریه سعیدی

چکیده:


جنگ جهانی اول که بر اثر رقابت‌های اقتصادی و سیاسی دولت‌های بزرگ در فاصله سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی دنیا را در کام خود فرو برد، علی‌رغم اعلام بی‌طرفی ایران بین دول متخاصم، آثاری را از خرابی و خسارات اجتماعی تا تزلزل‌های سیاسی در کشور ایجاد کرد که تا سال‌ها بعد تبعات آن به‌جا مانده بود. در همین حالت، تحرکات سیاسی برای به‌دورماندن ایران از کانون حوادث جهانی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور که سال‌ها بود با قراردادهایی که بین دو دولت روسیه و انگلیس بسته شده بود و در معرض خطر قرار داشت را حفظ کند. مأموران و مسئولانی که در وزارت خارجه بودند هر یک بنا به جایگاه و نوع مسئولیت خود در محورهای متفاوت فعالیت می‌کردند تا بی‌طرفی ایران حفظ شود. یکی از این تحرکات گزارشی است که در قالب یک نامه از طرف سفیر ایران در انگلیس به (احتمالاً) وزیر خارجه نگاشته شده است. در این نامه نکاتی و تعهداتی مطرح شده که تا حدی نوع تعامل بین ایران و دول صاحب نفوذ در ایران و منطقه را بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها

تاریخ معاصر ایران؛ جنگ جهانی اول؛ انگلیس؛ روسیه؛ انقلاب اکتبر روسیه.

آرشیو ملی، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۱۹ و

۲۰؛ صص: ۳۸-۴۶



گزارشی از یک تلاش حفظ بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول بر اساس نامه‌ای از سفیر ایران در انگلیس

حوریه سعیدی^۱

پس از انقلاب مشروطیت در ایران، تلاطم‌های سیاسی-اجتماعی ناشی از درگیری بین موافقان و مخالفان مشروطه و مدعیان قدرت و حاکمیت، منجر به بی‌ثباتی حکومت در ایران شده بود. دخالت‌های دولت‌های خارجی در امور سیاسی ایران که در پی تحکیم و تثبیت موقعیت خود در این اوضاع بودند نیز به این آشفتگی سیاسی، اجتماعی دامن می‌زد. تغییر سلطنت از محمدعلی‌شاه مخالف مشروطه‌خواهان به احمدشاه پسر کوچک وی و نیز تغییرات متوالی دولت‌های کم دوام، وضعیت متزلزلی را در حکومت ایران باعث می‌شد. بر این بیافزاییم تحولات جامعه جهانی و پدیدار شدن تنش‌های اقتصادی و سیاسی در میان دولت‌های قدرتمند که در نهایت منجر به وقوع جنگی همه‌گیر در جهان شده و ایران ضعیف، خواه‌ناخواه درگیر آن شد.

قبل از وقوع جنگ همه‌گیر با توافقی که دو دولت صاحب‌نفوذ در ایران با یکدیگر داشتند و استفاده از ضعف حکومت ایران، قراردادی در سال ۱۹۰۶م. بین این دو دولت بسته می‌شود که به قرارداد تقسیم ایران معروف شد. مطابق این قرارداد ایران به سه منطقه: شمال (نفوذ روسیه)، مرکز (حکومت ایران و در واقع منطقه حائل) و جنوب (نفوذ انگلیس) تقسیم شد. این قرارداد تقسیم ایران با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴م. و مدتی کوتاه بعد از اعلام بی‌طرفی ایران، با انعقاد قرارداد دیگری در سال ۱۹۱۵م. بین دو دولت قدرتمند، در واقع تکمیل شده و ضمن آن، منطقه حائل مرکزی نیز از بین رفته و ایران بین ایشان تقسیم کامل شد.^۲

۱. مربی، عضو هیئت‌علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، معاون پژوهشگر اسناد؛
hoorichsaeidi@yahoo.com.
۲. از بهانه‌های این قرارداد جلوگیری از نفوذ بیشتر آلمان در ایران و مرادفات با آن کشور و نیز ممانعت از حضور و نفوذ هرچه بیشتر عثمانی در منطقه شمال‌غربی و غرب ایران بود.



شروع جنگ و ضعف دولت مرکزی، پای دولت عثمانی را به منطقه غرب ایران نیز باز کرد و این قسمت از کشور ایران هم در معرض هجوم دولت عثمانی که متحد دولت آلمان در آن هنگام شمرده می‌شد، قرار گرفت. اعلام وضعیت بی‌طرفی از جانب ایران، بدین معنا بود که طبق عرف بین‌الملل، ایران از دخالت و جانبداری از طرفین درگیر در جنگ خودداری کرده و طبعاً بایستی از تبعات جنگ و نتایج آن برکنار بماند. ولی با نقض این بی‌طرفی از جانب دول متفق، روس و انگلیس از یک‌سو و عثمانی از سوی دیگر، ایران به‌ناچار درگیر مشکلات و خسارات ناشی از جنگ (قحطی، مشکلات اجتماعی، خسارات اقتصادی و ...) شد.^۱

در اواخر جنگ جهانی، وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه تزاری (اکتبر ۱۹۱۷ م.) منجر به فروپاشی امپراتوری تزاری و استقرار حکومت کمونیستی در آنجا شد. با وقوع این انقلاب و مبتلابه‌ات آن که هرج‌ومرج و بی‌ثباتی سیاسی و دولتی هم بود، نیروهای مهاجم به‌دستور دولت روسیه جدید (شوروی) از منطقه نفوذ شمالی ایران فراخوانده شدند و فرصت برای دیگر دولت‌ها از جمله دولت عثمانی و نیز انگلیس برای نفوذ هرچه بیشتر در ایران باز شد (ساجدی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴). در همین زمان برخی از رجال سیاسی ایران موقع را برای تثبیت حکومت و نیز حضور در مجامع بین‌المللی برای احقاق حق تأدیه خسارات ناشی از جنگ که با وجود اعلام بی‌طرفی بر آن تحمیل شده بود مناسب تشخیص داده و دست به تحرکات دیپلماسی در سطح بین‌المللی با اعزام نمایندگان ویژه در مجامع بین‌المللی زدند (محبی و دیگران، ۱۳۵۹، ص ۱۷۲). البته این حرکات به‌دلایل مختلفی که در منابع مربوطه آمده است^۲ به سرانجامی نرسید و ایران هیچ جایگاهی در این مجامع نیافت.

همان‌طور که اشاره شد از سوی وزارت خارجه برای حفظ این بی‌طرفی تلاش‌های دیپلماتیکی در جریان بود تا ایران بتواند ضمن حفظ موقعیت خود و تعامل با کشورهای متفق^۳ که از گذشته در صحنه سیاسی ایران حضور داشتند خسارات کمتری را نیز تحمل کند. ایران علاوه بر فرستادن هیئت دیپلماتیک به کنفرانس صلح پاریس به ریاست علی‌قلی‌خان انصاری (مشاورالممالک)، در سطح سفیران و مأموران خارجی نیز تحرکاتی را به‌صورت گفت‌وگوهای بین‌المللی نیز انجام می‌داد.

از جمله این تحرکات گزارشی است که به‌نظر می‌رسد از جانب سفیر وقت ایران در انگلیس ارسال شده بوده و در آن راجع به مذاکراتی که وی با مقامات انگلیسی و فرانسوی داشته که در طی آن در خصوص مسائل مربوط به حفظ بی‌طرفی ایران و خروج روسیه از ایران به‌دلیل وقوع انقلاب در آن کشور گفت‌وگو کرده است. نویسنده گزارش اشاره دارد که در حین گفت‌وگو با مقامات انگلیسی موقع را مغتنم شمرده و بدیشان تأکید کرده است که هیچ‌کس در ایران مخالف ایشان نیست و این فرصتی است که انگلیس می‌تواند ضمن اعلام مودت با مردم ایران

۱. بنا به نظر الیور باست در مقاله «ایران و کنفرانس صلح ۱۹۱۹»، ص ۴۹-۵۰، کشور ایران با وجود اعلام بی‌طرفی حتی از کشورهای درگیر در جنگ خسارات بیشتری را متحمل شد (باست، الیور (۱۳۷۸). ایران و کنفرانس صلح ۱۹۱۹، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، انتشارات مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، س ۱، ش ۱، ص ۴۹-۵۰).

۲. برای اطلاع در مورد حضور هیئت ایرانی در کنفرانس صلح و چگونگی برخورد با ایشان رجوع کنید به: کاوه بیات؛ آذری شهرضایی، رضا (۱۳۹۲). آمال ایرانیان از کنفرانس صلح پاریس تا قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس. تهران: شیرازه و فریدون زندفرد (۱۳۷۷). ایران و جامعه ملل. تهران: شیرازه و بسیاری مقالات دیگر در همین موضوع.

۳. منظور کشورهای روس و انگلیس دو قدرت برتر متفق است.



و تحکیم موقعیت خود، برائت خود را از همراهی با سیاست‌های سلطه‌جویانه روسیه اثبات کند. در واقع وی در این توصیه به‌نوعی تشویق به حضور بیشتر در ایران در غیبت روسیه را داشته است که شاید ناشی از پر رنگ‌تر شدن وجود نیروهای عثمانی در غرب ایران به‌مناسبت تخلیه منطقه از قوای روس بوده: «... از این تغییراتی که در روسیه شده است^۱ از طرف انگلیس بدون تأخیر و تردید باید استفاده بشود تا [هر دم] معلوم گردد که انگلیس منتظر همچو موقعی بود که نیات نیک خود را نسبت به ایران اجرا بدارد...».

نویسنده گزارش ضمناً اشاره دارد به رفع شبهه طرفداری ایران از آلمان که توضیح می‌دهد لازم بوده تلاش‌هایی برای رفع این عقیده بشود: «... چون به‌واسطه وقایعی که در ایران روی داده در اینجا و در سایر ممالک دول مؤتلفه از قبیل فرانسه و روسیه، عقیده بر این است که بیشتر ایرانی‌ها طبعاً طرفدار آلمان هستند و اگر ایران قوت بگیرد آن قوه را بر ضد دول مؤتلفه به‌کار خواهد برد. لازم بود این عقیده رفع بشود...».

نکات مهم دیگری در مورد گفت‌وگو و موضوعات مطرح‌شده در آن از جانب طرف ایرانی، و نیز روش گفت‌وگو و مطالبات در این سند-گزارش که متن آن در ادامه آمده است وجود دارد که آن را از یک گزارش رسمی اداری معمولی خارج ساخته و به‌نوعی شکل روابط سیاسی ایران با دیگر کشورها به‌خصوص کشورهای صاحب‌نفوذ در ایران که پیشینه سلطه‌گری هم داشته‌اند را ترسیم ساخته است. این گزارش ظاهراً از طرف سفیر وقت ایران در انگلیس به مقام مافوق خود است.

[بالای سند: نمره ۳۵/ ۱۰] [سجج مهر با نقش: تاج، شیر و خورشید و شمشیر

چهارم رمضان/ ۲۳ ژوئن ۱۹۱۷] [متن فرانسه:] سفارت اعلی حضرت شاهنشاهی ایران در لندن
خیلی محرمانه

در تلگراف نمره ۶۳، ۱۰ رجب و در عریضه نمره ۱۹۴، ۱۵ شعبان به مذاکرات و اقداماتی که اینجا در باب ایران شده اشاره نمودم و از سبک مذاکرات و استدلالاتی که شده است خاطر اولیای دولت علیه مستحضر گشته است. این مطالب را با بعضی تغییرات به اقتضای موقع و به‌مناسبت اشخاص در دوایر غیررسمی به متنفذینی که در امور ایران طرف مشورت دولت هستند و به اشخاصی که با وزارت خارجه و وزارت هند مرادند دارند به‌طورهای مؤثر گفته‌ام؛ چون چنانکه سابقاً هم عرض کردم، شنیدن این مطالب از زبان خودشان اثری در دوایر رسمی دارد که بیانات رسمی و خصوصی ما نمی‌تواند آن اثر را داشته باشد. بنا بود کمیسیونی برای بین‌النهرین و کمیسیونی هم برای ایران تشکیل بشود و در واقع این کمیسیون شعبه‌ای از کابینه جنگ باشد ولی تا به حال کمیسیون‌های مزبور دایر نشده‌اند. یکی از اعضای عمده کمیسیون ایران، آمیرال سر ژان اسلید^۲ [؟] است که سال‌ها (و در موقع مسافرت لرد کورزون^۳

۱. منظور انقلاب بلشویکی است که در اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه اتفاق افتاده و منجر به سقوط حکومت تزاری و استقرار حکومت کمونیستی در آنجا شد. با وقوع این انقلاب و به‌دلیل وضعیت خاصی که در کشور روسیه کمونیستی (شوروی) وجود داشت، این کشور از مناطقی که در شمال و شمال‌غربی ایران تصرف کرده بود، عقب‌نشینی کرد.

۲. احتمالاً منظور دریاسالار سر جان اسلید است که بعدها یکی از مدیران ارشد شرکت نفت انگلیس شد. وی در حوالی جنگ اول جهانی مأموریت داشت تا در مورد چگونگی به‌دست‌آوردن نفت ارزان و تبدیل ناوگان کشتی‌های جنگی انگلیس به سوخت نفتی بررسی و اقدامات لازم را انجام دهد.

۳. جرج ناتانیل کرزن شرقشناس و سیاستمدار انگلیسی اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی که دانش وی در مورد آسیا و ایران وی را وارد عرصه کارشناس و مجری سیاست‌های انگلیس در این منطقه کرد. وی مناصب مختلفی از جمله نایب‌السلطنه‌گی هندوستان، وزارت خارجه و عضویت مجلس اعیان انگلیس را علاوه بر استادی و ریاست دانشگاه آکسفورد بر عهده داشت. از مشهورترین آثار وی کتاب «ایران و قضیه ایران» بوده است. وی بعد از پایان جنگ جهانی اول مشوق قرارداد ۱۹۱۹ م. که بین وثوق‌الدوله و سرپرسی کاکس بسته شد معرفی می‌شود.



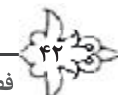
فرمانفرمای آن عصر هندوستان به خلیج فارس) فرمانده کل قوای بحری انگلیس در هندوستان بود و با معزی‌الیه سابقه آشنائی دارم. تمام مطالب را که به‌نظر مفید و با اثر بود به او گفتم و او را با نظریات خود موافق کردم و گفت وقتی کمیسیون منعقد شد در این زمینه اظهار عقیده و اتخاذ این پلتیک را توصیه خواهد نمود؛ به دو نکته اهمیت مخصوص داد و به امیرال خوب خاطر نشان کردم:

نکته اول: در ایران احدی ضد روس نمی‌بود و به‌واسطه اعمال روس‌ها از شما رنجش پیدا نمی‌کرد هرگاه در اول جنگ، روس‌ها به نصایح دولت ایران گوش داده بودند و خط‌هایی که کردند نکرده بودند و این مطلب را می‌توانم از روی اسناد دولتی ثابت کنم؛ و از میان فرنگی‌ها و بلکه انگلیسی‌هایی که در ایران بوده‌اند شاهد بیاورم. ولی رژیم تازه روس عقاید و احساسات را به کلی تغییر داده است و یقین بدانید که اگر پلتیکی اطمینان‌آور که به احساسات ملی و استقلال مملکت برنخورد و با تصمیم و پلتیک دولت ایران در حفظ بی‌طرفی^۱ مساعدت بکند اجرا^۲ بشود یک نفر در ایران پیدا نخواهد کرد که دوست روس و شما نباشد. این نکته خیلی مهم بود و در صحبت‌ها و در مقالاتی که به تحریک سفارت در جراید درج می‌شود، در این باب خیلی تأکید شده است؛ چون به‌واسطه وقایعی که در ایران روی داده در اینجا و در سایر ممالک دول مؤتلفه از قبیل فرانسه و روسیه، عقیده بر این است که بیشتر ایرانی‌ها طبعاً طرفدار آلمان هستند و اگر ایران قوت بگیرد آن قوه را بر ضد دول مؤتلفه به کار خواهد برد. لازم بود این عقیده رفع بشود. در دوایر رسمی در موقع بحران‌های ایران ملاحظه فرموده‌اید که در رفع این عقیده چقدر کوشیدیم؛ حالا باید این مطلب به عامه واضح بشود که افکار عامه مؤید اقدامات رسمی بشود. نکته دویم که به امیرال خاطر نشان کردم این بود که از این تغییراتی که در روسیه شده است^۳ از طرف انگلیس بدون تأخیر و تردید باید استفاده بشود تا [هر دم] معلوم گردد که انگلیس منتظر همچو موقعی بود که نیت نیک خود را نسبت به ایران اجرا بدارد و اگر این کار بشود گذشته‌ها فراموش و احساسات عامه کاملاً تغییر خواهد کرد و بر مردم معلوم خواهد شد که موافقت انگلیس با اعمال رژیم سابق روس، ظاهری و از روی اجبار به ملاحظه قرارداد بود و اگر مختصر تأخیر و تردید بشود موقع از دست خواهد رفت و عقیده مردم بر این خواهد شد که در مسلک رژیم سابق روس، انگلیس هم شریک بود و در احساسات مردم نسبت به انگلیس تغییر حاصل خواهد شد. در اهمیت و فواید ایران مستقل قوی دوست برای انگلیس و خطر و ضرر آن شرحی به امیرال بیان کردم و چون به‌واسطه طول مدت مأموریت در هندوستان از مسائل شرقی و آنچه راجع به هندوستان است خوب آگاه است بیانات بنده را تصدیق کرد. چنانکه سابقاً هم به‌عرض رساندم در اینجا در مجالس مقتضیه و با اشخاصی که واقعاً بانفوذ هستند و می‌توانند کاری بکنند اغلب صحبت و نقطه‌نظر خودمان و حقیقت اوضاع

۱. منظور اعلام بی‌طرفی در جنگ جهانی اول است. با شروع جنگ جهانی اول بین دولت‌های متحد (آلمان، اتریش و عثمانی) و دولت‌های متفق (انگلیس فرانسه و آمریکا و روسیه) که به‌دلیل واقعی تضاد منافع اقتصادی و دلیل ساختگی ترور ولیعهد اتریش به‌دست یک ناراضی صرب اتفاق افتاد، ایران که به‌دلیل حضور و دخالت‌های دولت‌های انگلیس و روس در کشور و تلاطم‌های سیاسی ناشی از آن به ضعف مفرط سیاسی دچار بود، اعلام بی‌طرفی کرد و طی اطلاعیه‌ای خود را به‌عنوان کشور بدون جانبداری از طرفین درگیر در جنگ اعلام کرد؛ ولی علی‌رغم این اعلام، تبعات و مشکلات و خسارات جنگ دامن او را نیز گرفت.

۲. در متن: اجری.

۳. منظور انقلاب بلشویکی است که در اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه اتفاق افتاده و منجر به سقوط حکومت تزاری و استقرار حکومت کمونیستی در آنجا شد. با وقوع این انقلاب و به‌دلیل وضعیت خاصی که در کشور روسیه کمونیستی (شوروی) وجود داشت، این کشور از مناطقی که در شمال و شمال‌غربی ایران تصرف کرده بود، عقب‌نشینی کرد.



ایران را حالی و سعی در رفع اشتباهات می‌کنم ولی لازم و بلکه هیچ صلاح نمی‌دانم که با بی‌ترتیبی پُست، تمام اقدامات و صحبت‌هایی که می‌شود شرح بدهم و اشخاصی هم که با آن‌ها محرمانه صحبت می‌شود به‌طوری که طبیعی است، مایل نیستند اسم‌شان ذکر بشود. بنابراین فقط نکات خیلی عمده را که ممکن است برای مذاکرات طهران به کار بخورد و کمک خیالی به دولت علیه بشود با تلگراف رمز به‌عرض می‌رسانم و آنچه هم تشریح لازم دارد و عرض آن مقتضی است با پست می‌فرستم. بسیار بسیار واجب است که دولت علیه از حقیقت اوضاع داخله و از نقطه‌نظر خود و از آنچه برای صحبت‌ها و همچنین آنچه برای درج در جراید مفید می‌دانند اتصالاً مطلعم بفرمایند. بعضی پیشنهادهای هم برای اقدامات در اینجا دارم که در عرایض علیحده به‌عرض می‌رسانم.

آقای معین‌الوزاره^۱ از حقیقت اوضاع خیلی خوب مطلعم داشته است و برای اقدامات اینجا خیلی کمک شد و می‌توانم عرض کنم اگر این اطلاعات از او نمی‌رسید ممکن نبود به‌طور مؤثر بعضی صحبت‌ها بشود. درحقیقت معین‌الوزاره به‌واسطه رساندن این اطلاعات، خدمتی به دولت کرده است؛ ولی البته بعضی مطالب است که معین‌الوزاره با پست نمی‌تواند و صلاح هم نیست بفرستد؛ لهذا باید تلگرافاً مطلعم بفرمایند. و نیز خوب است وزارت جلیله خارجه فراری بدهد که سفارت‌هایی که در این موقع باید اقداماتی را که عرض شده است بنمایند؛ از قبیل سفارت پطر^۲ و پاریس از اوضاع داخله (همین‌طور که معین‌الوزاره به‌طور شخصی بنده را مطلع داشته است) آن‌ها هم کاملاً مطلع باشند که از روی بصیرت کار کنند. پطر که جای خود دارد در پاریس هم به‌جهاتی که به‌عرض خواهم رساند میدان کار در این موقع وسیع است و ممکن است به‌واسطه جراید و اقدامات دیگر به اقدامات پطر و لندن خیلی کمک بکنند و بلکه پاره اقدامات در فرانسه ممکن است که در پطر و لندن ممکن نیست. در این باب آقای ممتازالسلطنه^۳ البته نظریات خودشان را به‌عرض اولیای دولت رسانده‌اند؛ بنده هم با ایشان در مخایره هستم و تبادل افکار می‌کنیم که انشاءالله همان قسمی که در مرکز باید به‌اتفاق کارها را پیش برد در خارجه هم ماها متفقاً کار کنیم. [مهدی^۴]

۱. حسین علا (معین‌الوزاره)، وی فرزند محمدعلی‌خان (علاءالسلطنه- معین‌الوزاره) بود. وی از تحصیل‌کردگان اروپایی بود که به‌دلیل تسلط به زبان‌های انگلیسی و فرانسه در سمت‌های مختلف در وزارت خارجه و سایر مناصب دولتی از نمایندگی مجلس و وزارت تا نخست‌وزیری مشغول کار بود.

۲. احتمالاً منظور پترزبورگ/ پترزبورگ است.

۳. عبدالصمد/ صمد (ممتازالسلطنه)، پسر آقا علی‌اکبر مکرم‌السلطنه. وی از ابتدا در خدمت وزارت خارجه درآمد و سال‌ها سفیر ایران در هلند و فرانسه بود. از او به‌عنوان یکی از رجال خوشنام در دولت ایران یاد شده است. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که او در حیات سیاسی خود انجام داد، تثبیت نشان هلال‌احمر برای کشورهای مسلمان در کنار شیر و خورشید سرخ ایران و صلیب سرخ جهانی بود. وی در کنفرانس ژنو با سخنانی که داشت آرا مخالف با نشان هلال‌احمر را به موافق تبدیل کرده و آن را یک نشان بین‌المللی ساخت (جبل‌المتین س ۱۴، ش ۸، ۷ شعبان ۱۳۲۴، ص ۱۸-۱۸۰)؛ برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به: شرح حال رجال ایران. ج ۲، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۴. احتمالاً مهدی (مشیرالملک- علاءالسلطنه) پسر میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه که سال‌ها در وزارت خارجه و به‌عنوان وزیر مختار و سفیر ایران در لندن مشغول به‌کار بود. بر اساس قرائن تاریخی وی در آن هنگام در مأموریت سفارت در لندن به‌سر می‌برده است.



منابع:

- باست، الیور (۱۳۷۸). ایران و کنفرانس صلح ۱۹۱۹، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، انتشارات مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، س ۱، ش ۱، صص ۴۹-۵۰.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۴). شرح حال رجال ایران. ج ۲، تهران: زوار.
- بیات، کاوه؛ آذر شهرضایی، رضا (۱۳۹۲). آمال ایرانیان از کنفرانس صلح پاریس تا قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس. تهران: شیرازه.
- جبل‌المتین. س ۱۴. ش ۸ (شعبان ۱۳۲۴)، ص ۱۶-۱۸.
- ساجدی، احد (۱۳۸۶). پاداش یک خیانت. فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۱۶، ص ۱۶۳-۱۷۱.
- محبی، سیروس (۱۳۹۵). بررسی عوامل شکست نمایندگان ایران در راهیابی به کنفرانس ورسای. پژوهشنامه علوم سیاسی، س ۱۲، ش ۱، ص ۱۶۷-۲۰۳.



